

سرمایه داری و استخار بدون حد و مرز کارگران



فریده ثابتی / فروردین ۱۴۰۱

سرمایه داری همه ی جهان را پیموده و به زیر پرچم خود در آورده است. چرا سرمایه جهان پیما و جهان گرد شده است؟ با گوشه گوشه جهان چه کاری دارد؟ چه چیزی علایقش را برای این گسترش برانگیخته است؟ پاسخی به این سؤال داریم که به ۱۷۴ سال قبل در مانیفست کمونیست آمده است. می خوانیم: «نیاز به یک بازار دائم التوسعه برای فروش کالا های خود بورژوازی را به همه جای کره زمین می کشاند. همه جا باید رسوخ کند، همه جا ساکن شود. با همه جا رابطه برقرار کند. بورژوازی از طریق بهره کشی از بازار جهانی به تولید و مصرف همه کشورها جنبه ی جهان وطنی داد،... ملتها را ناگزیر می کند که اگر نخواهند نابود شوند شیوه ی تولید بورژوازی را بپذیرند،... بدین معنی که آن ها نیز بورژواشوند. خلاصه این که جهانی هم شکل و همانند خویش می آفریند.» و اکنون در زمان ما این پروسه به پایان رسیده است و جهان به جهان کامل سرمایه داری تبدیل شده است. نیاز به بازار یعنی نیاز به واقعیت دهی ارزش اضافی پنهان در کالا. بنابراین همه ی این گسترش بازار برای ارزش اضافی است و ارزش اضافی یعنی استثمار کارگران. امروزه استثمار به شیوه های مختلف و همه بدون حد و مرز انجام می شود. در کشورهای پیشرفته سرمایه داری با پنبه سر کارگران را می برند. ۸ ساعت یا کم تر کار می کنند اما با بالا رفتن بارآوری کار، وجود ابزار کار و تکنیک بسیار پیشرفته و سرعت بالا، کارگران را وادار به تولید چند برابر قبل می کنند، به نحوی که بعد از پایان کار رمقی برای یک زندگی خانوادگی و اجتماعی معمولی باقی نمی ماند. اما در بخش هایی دیگر در همین کشورهای پیشرفته، از جمله بخش هایی از کار کشاورزی، کار در معدن و غیره استثمار خام و قدیمی است. استثمار کارگر در همین فعالیت ها در کشورهایی با بارآوری کار و تکنیک پایین تر یا پایین وحشتناک تر است. در این جا نمونه ای از آنرا که اطلاعاتش از تحقیق جدید اکسفام است می آورم.

این تحقیق در رابطه با کارگران مزارغ کشت آناناس و انگور در کوستاریکا و آفریقای جنوبی انجام یافته است. تولید این مراکز به همه ی سوپرمارکت های بزرگ اروپا، به ویژه آلمان می آید. این سوپرمارکت ها در این استثمار شریکند یا اصولا عامل اصلی هستند و بیش از ۵۰ درصد ارزش اضافی مورد نظر به آن ها تعلق می گیرد و به بقیه حتی تولید کننده سهمی اختصاص می دهد. مطابق یک تحقیق دیگر در فاصله آوریل ۲۰۲۰ تا ژانویه ۲۰۲۱ یعنی نه ماه، سوپرمارکت آلدی و لیدل در آلمان رکورد فروش داشتند و بدترین سال توده ها، بهترین سالی برای شان بود که می شود به آن فکر کرد. در همین فاصله سوپرمارکت Rewe و Edeka ۱۷٪

افزایش فروش داشتند. بقیه هم وضعیتی مشابه داشتند. در این فاصله زمان سرمایه آلدی از ۱۸ به ۲۵ میلیارد یورو رسید و سرمایه Kaufland و Lidl هم ۳۰٪ افزایش یافت. سهم کارکنان این دو سوپرمارکت از این افزایش تنها چند کوپن خرید مجانی بود یعنی حتی پولی به آن ها تعلق نگرفت که آن گونه که مایلند خرج کنند. در بخش تولید حتی وضعیت بدتر است زیرا در آلمان مجبورند حداقل دستمزد را به آن ها بدهند و قوانین کار را رعایت کنند اما در بخش تولید استثمار غیر قابل احتساب است مثلاً یک کارگر تولید قهوه در برزیل که برای لیدل کار می کند برای این که مثلاً افزایشی را لیدل در این مدت نه ماه بدست آورده به عنوان مزد دریافت کند باید ۸ و نیم میلیون سال کار کند!

بر می گردیم به مطالعه جدید در کوستاریکا و آفریقای جنوبی: در این جا بخش عمده کارگران را کارگر مهاجر تشکیل می دهند. دستمزد آنها بسیار ناچیز است. به هیچکدام از کارگران مهاجر در کوستاریکا، حداقل دستمزد کشور پرداخت نمی شود. در یکی از این مراکز تولید که به سوپر مارکت Edeka تعلق داشت دستمزد روزانه کارگران ۴ و نیم یورو بود یعنی ساعتی ۳۷ سنت. در آفریقای جنوبی حداقل نیم کارگران حداقل دستمزد را که ماهانه ۱۹۴ یورو است دریافت نمی کردند. در هر دو کشور ساعات کار روزانه بیش از ۱۲ ساعت است.

کارگران زنی که در مزارع انگور کار می کنند گزارش دادند که برای بدست آوردن کار مجبوره رابطه جنسی می شوند. این کارگران هم چنین به خاطر استفاده از سم پستی سید که استفاده اش در اروپا ممنوع شده، در خطر مسمومیت قرار دارند. در مزارع توالت و آب آشامیدنی هم برای کارگران وجود ندارد. اگر کسی از این وضعیت در جایی شکایت کند شدیداً تحت فشار قرار می گیرد. در کوستاریکا حکم اخراج از طرف دادگاه برای این کارگران صادر می شود. اخراج حتی شامل اعضای فامیل و آشنایان فرد اخراج شده هم می شود. ترس از اخراج برای کارگران خارجی و مهاجر بیشتر است و تحت فشار و خشونت بیشتر قرار می گیرند.

در آلمان چند سوپرمارکت شامل Rewe همراه با penny، آلدی با نتو و گروه شوارتس شامل کافلند و لیدل در مجموع ۸۵٪ فروش مواد غذایی به خرده فروشی ها را به عهده دارند. با این قدرت بازار، آن ها فشار زیادی را روی شرکت های حمل و نقل و تولید کننده کالا اعمال می کنند تا جنس برای شان هر چه ارزان تر تهیه شود. آن ها هم فشار را به روی کارگران خود منتقل می کنند تا به سهم مورد نظر خود را دست یابند. کارگران با دستمزد گرسنگی و فقر به کار و می دارند به نحوی که می توان گفت دستمزد کسب شده یک سال کارگران این مزارع را لیدل و کافلند متعلق به آقای شوارتس تنها در ۶ ثانیه بدست می آورد. این امر در مورد کالاهای ارائه شده هم صادق است به طور مثال در یک باطری شراب آفریقای جنوبی که به قیمت ۳ یورو فروخته می شود، سهم کارگر در آفریقای جنوبی از این باطری شراب تنها ۳ سنت است یا تنها یک درصد قیمت کالا. گذشته از این موارد تجربه ی ده ها سال تبعیض نژادی چنان عمیق است که اختلاف طبقاتی بین فقیر و غنی، زنان و مردان، مهاجر و غیر و مهاجر چشمگیر است.

کوستاریکا سالانه ۸۶۵ میلیون دلار آمریکا آناناس به بازار جهانی می دهد و ۳۸۰۰۰ هکتار زیر کشت آناناس دارد. شرایط کار در این مزارع وحشتناک است. کاربرد سم پستسید بسیار بالاست که گذشته از تخریب محیط

زیست، طبیعت و آب‌های زیرزمینی، روی کارگران تأثیرات مخربی دارد و از بیماری‌های تنفسی، تهوع، سقط جنین تا سرطان پیش می‌رود. گذشته از این خطرات دستمزدهای ناچیز، استثمار شدید و نبود حقوق کار، کارگران را رنج می‌دهد. دستمزدها حتی کفاف تأمین غذای خانواده را نمی‌دهد و مشکل وسایل تحصیلی کودکان، خرج دوا و درمان، و... پاسخ نگرفته می‌ماند.

در همین مقاله کوتاه چندین حقیقت وجود دارد که شاید بخشی از نیروهای کارگری نوع دیگری می‌دیدند. مساله اول استثمار کارگران در کشورهای پیشرفته صنعتی و دیدن این کشورها به عنوان ایده آل برای زندگی است. می‌بینیم کارگران شاغل در سوپر مارکت‌ها مثل کارگران بخش بهداشت در شرایط وحشتناک گسترش ثانیه ای کرونا که هنوز واکنشی هم برایش پیدا نشده بود مجبور به کار بودند بدون این که برای کار در این شرایط مرگ زا امتیازی دریافت کرده باشند و در نهایت از افزایش ۳۰٪ سود به خاطر فروش فوق العاده تنها کوپن خرید کالا دریافت کرده بودند یعنی حتی در این جا هم شرکت‌های تنها به فروش بیش تر کالا ی خود توجه داشته اند. دوم در حالی که در همه ی سوپر مارکت‌ها در پلاکات‌های بزرگی از مناسبات عادلانه در تولید و خرید کالا می‌نویسند، می‌بینیم که چه وضعی اسفباری برای کارگران در دیگر کشورها ایجاد می‌کنند یا برای شان شرایط کار کارگرانی که برای شان تولید می‌کنند، بی تفاوت است زیرا تنها به سود می‌اندیشند و این خصلت سرمایه است. سوم در کشورهایی که استفاده از سم پستی‌سید ممنوع شده است، همین سم تولید و به کشورهای دیگر فروخته می‌شود یا امتیاز تولید داده می‌شود. اما مواد غذایی آلوده به سم را در سطح گسترده توزیع می‌کنند گویی ممنوعیت نه برای حفظ سلامت مصرف کنندگان، بلکه برای تبلیغات بوده است و دو رویی مسئولین را نشان می‌دهد. چهارم همه ی ما شاهدیم که به دلیل جهانی شدن سرمایه تولید هم جهانی شده است. هم چنین شاهد نقل مکان دایم صنایع به سمت مکان‌ها و زون‌های کارگر ارزان هستیم؛ به طور مثال کارخانه اتومبیل سازی فولکس واگن دارای ۱۲۰ کارگاه تولیدی در ۱۹ کشور اروپایی، ۱۰ کشور از قاره ی آمریکا و هم چنین آسیا، آفریقا و به ویژه ۳۳ کارگاه تولیدی در چین است و استثمار کارگران با شدت و ضعف در همه ی این کشورها جاری است مسلماً کارگر چینی در مقایسه با کارگر آلمانی در ولفسبورگ وحشتناک تر استثمار می‌شود و این بستگی به قدرت طبقاتی و دستاوردهای مبارزاتی ۱۵۰ ساله ی کارگران در آلمان دارد که تدریجاً در حال حذف شدن است. سرمایه داری خصلت انسان ستیزی دارد زیرا شیره ی جان کارگران را می‌مکد. در حالی که سرمایه روز به روز فربه تر و گسترده تر می‌شود کارگران ایجاد کننده آن روز به روز ضعیف تر می‌شوند تا بعد از ۳۰ تا ۴۵ یا بیش تر سال کار، با پول بازنشستگی ای که کفاف خورد و خوراک شان را هم نمی‌دهد به سنگفرش خیابان پرتاپ شوند. یا باید سر اطاعت در برابر این سرنوشت موهوم فرود آورد و به آن تن داد یا در غیر آن اگر خواهان یک زندگی شایسته انسانی برای خود و آیندگان خود و جامعه هستیم باید با این مناسبات انسان کش دست به گریبان شد و دست استثمار گران و شیوه ی استثماراری تولید سرمایه داری را برانداخت. باید برایش حرکت کرد از همین حالا و از همه جا، از محل کار و زندگی خود و همبسته با بقیه کارگران در همسایگی، هم محلی و منطقه ای، هم رشته ای و غیر آن، بدون مرز و زبان و نژاد.